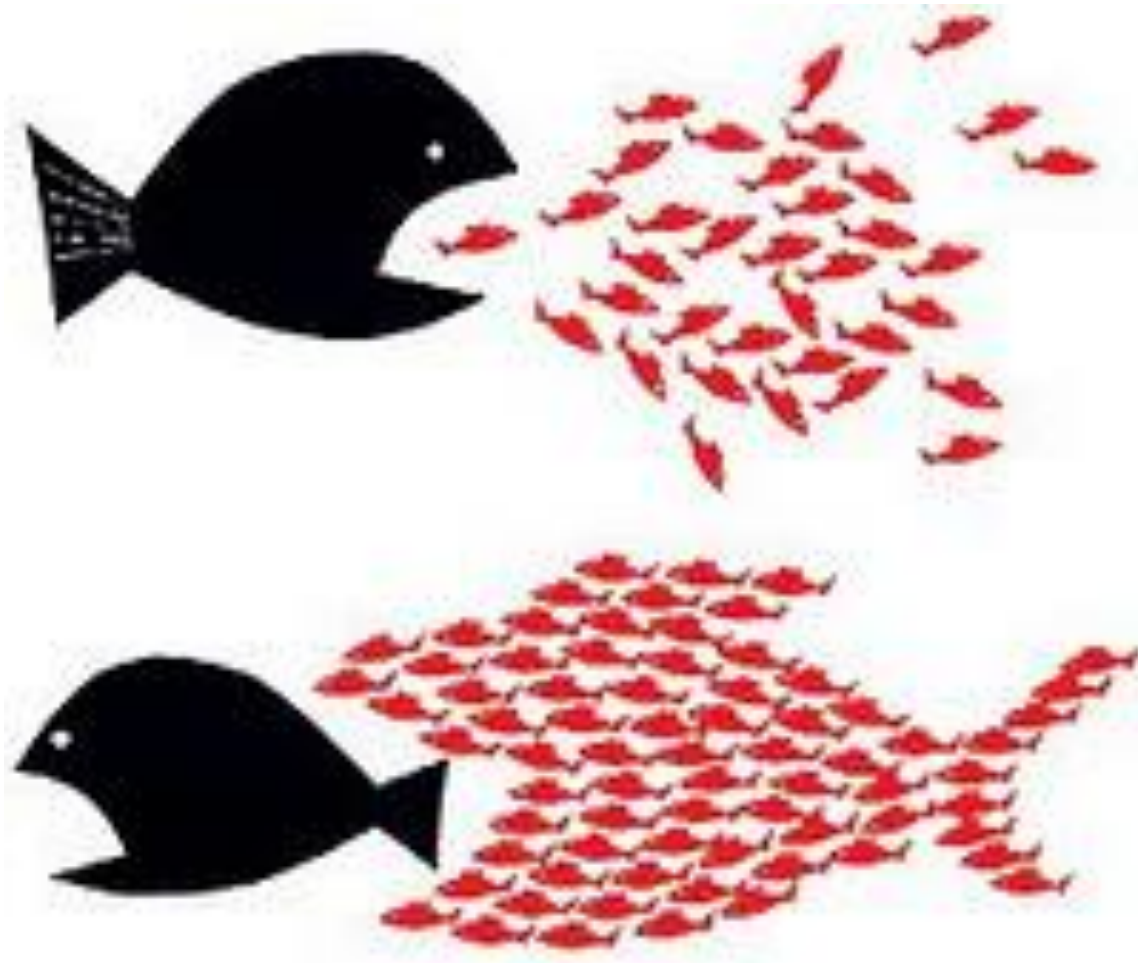


Social capital

and trusting between Work force

سرمایه اجتماعی و اعتماد بین نیروی کار



تهیه و تنظیم:
فرزاد حافظی زاده
استاد مشاور:
دکتر پاسبان
دانشکده تحصیلات تکمیلی مدیریت و حسابداری
دانشگاه آزاد تبریز
بهار ۱۳۹۴

بسمه تعالی

فهرست :

- پیشگفتار
- مقدمه
- سرمایه اجتماعی
- هوش جمعی
- سرمایه اجتماعی و اعتماد بین نیروی کار
- جمع بندی
- منابع

پیشگفتار

سرمایه اجتماعی واژه ای است که شاید در نگاه اول مفهومی چون ثروت و پول را در ذهن بشر تداعی می کند اما در واقع شاید چنین نباشد، برای درک بهتر مفهوم بهتر است به موارد زیر نظر کنیم:

اول تفاوت علوم انسانی با علوم مهندسی است که در علوم مهندسی زمانی صحبت از یک مفهوم مانند آمپر یا شتاب یا سال نوری و ... می شود شنونده براحتی به درک می رسد یا در آموختن آن همان مفهوم اصلی را در نهایت می گیرد، در صورتی که علوم انسانی همیشه با تعدد نظرها همراه است اگر مفهوم اصلی هم یکی باشد با توجه به ادراک و هوش و شرایط انسانها (استاندارد زندگی) که غیر یکسان اند درک از مفهوم متفاوت خواهد بود، به اینگونه است که در حتی بالاترین سطح علوم انسانی مانند ادیان اعمال و تفکر افراد نسبت به مفاهیم با هم متفاوت است، چرا که در پاسخ اولین مفهوم کلیدی تعریف خداوند متعال اعضا یک دین و مذهب بطور کامل با هم، هم نظر نیستند و یا با گذشت دوران حالت‌های مختلفی از مفهوم بخود گرفته اند، مثال دیگر تیلور معتقد بود که انسان ماشین پیچیده ای است، پس بسیاری تیلور را فردی با دیدگاه ابزار نگر به انسان شناختند و یا عده ای دیگر طرفدار ایشان اما همان نگاه ابزاری را تایید کرده اند، ولی تیلور اگر انسان را ماشین پیچیده نامید دلیلی بر ابزار بودن انسان نبود و حتی دلیلی بر رد نظر او، چرا که انسان واقعا ماشین بیولوژیک پیشرفته ای است که شناخت آن بسیار سخت است و اگر کسی از آن استفاده ابزاری می کند، همچنان اصل ماشین پیچیده بر جا خود باقی است،

موضوع دیگر در درک مفاهیم بویژه در علوم انسانی تفاوت زبانهای مبدا است که بدون توجه بر زبان مقصد بدون تفکر بر گردانده شده اند، برای مثال در یک برنامه تلویزیونی سوالی پرسیده می شود « بنظر شما چشم انسان به کدام رنگ حساسیت بیشتری دارد؟ » اکثر پاسخ ها اشتباه است چرا که این سوال کلمه sense را به حساسیت ترجمه کرده است و اشتباه می باشد چون در فرهنگ عمومی جایی ندارد،

موضوع دیگر عدم شناخت منابع مفاهیم و عدم شناخت محل کاربرد می باشد، مثال برای منابع نشر: بسیاری از ثروتمندان یا اساتید غیر موجه یا امثال آن با توجه به منابع در دسترس نظراتی را در

تربیونها به گوش عموم می رسانند که جنبه کاربردی ندارد و چه بسا نه در جهت پیشرفت بلکه در جهت نابودی ساختارهای یک جامعه حرکت می کنند، مانند مدیران مستبد و زورگو که با تمام غرور شکستن اندام نحیف کارمندان را روشی صحیح مدیریت بر جامعه تبلیغ و چه فراوان گوشه‌های که در تمجید آنان کف می زنند و چه فراوان علم آموزانی که آن را در مغز خود ملائکه می کنند،

یا در مورد محل استفاده مفاهیم نیز به یک مثال بسنده می کنم، در زمینه استفاده از فرصتها در تجارت مقالات و کتابهای بیشماری موجود است بدون در نظر گرفتن جنبه های انسانی و بومی این مطالب، مدیران و تجار جهان سومی از آنها سود می جویند، و خود را کارآفرینان و اقتصاد دانان موفقی می پندارند، در حالی که مبدا ایجاد چنین مقالاتی در سرزمینهای خود از هر فرصتی برای سود استفاده نمی کنند یا حداقل با ملت خود چنین نمی کنند، مانند واردات گوشت فاسد ، یا بازار بزرگ محصولات تقلبی از ساعت و بدلیجات گرفته تا موبایل و دیگر وسایل که امروزه ثروت هنگفتی بر عاملان خود فراهم ساخته است و باعث ایجاد روش مدیریت و کار آفرینی شده است که کابوی های امریکای ویا تصویر از فیلمهای الکاپون را برما تداعی می کند.

لذا با این تفاسیر در این مقاله سعی شده مختصر و آگاهانه تر نسبت به موضوع وارد شویم، بدیهی است که انتظار هم نظر بودن یا مطلق بودن یا صحیح تر بودن این ارائه بصورت کامل وجود ندارد، ولی با این وجود سعی بر رسا بودن ارائه با مطرح ساختن جنبه های مختلف موضوع شده است.

محدوده مورد بررسی کشورها بوده که می توان بر سازمانها نیز تعمیم داد،

و در این ارائه از مباحثی چون فرهنگ با توجه به دامنه بزرگ آن و تعدد نظر فراوان صرف نظر شده است، و فقط در چند جمله فرهنگ مهمترین مولفه سرمایه اجتماعی است ، و فرهنگ اگر به مفهوم اصلی خود یعنی اخلاقیات مثبت که مورد قبول جامعه اندیشمندان است(نه سنت ها و عقاید مذهبی و تاریخی) و با فرض قابل پیشرفت بودن مورد قبول و مطابق با موضوع می باشد.

مقدمه

سرمایه اجتماعی اگر چه مفهومی نوین و نوپا در عرصه مطالعات اجتماعی است، اما این مفهوم ریشه در روابط اجتماعی نوع بشر دارد. امروزه این امر مسلم است که رسیدن به توسعه، جامعه مدنی، معیارهای جهان شمول و بستر مناسب برای زیست اجتماعی تنها با وجود سرمایه اجتماعی شکل می گیرد. کشورهای جهان سوم جامعه های در حال گذار با چالش هایی هستند که این چالش ها تغییرات ودگرگونیهای در جامعه ایجاد می کند. این تغییرات روندی مستقیم بر سرمایه اجتماعی دارد. فوکویاما زندگی در جامعه دارای سرمایه اجتماعی را ساده دانسته و نارسایی ها و مشکلات رو به رشد کشورهای غربی را ناشی از فرسایش و تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی، بخصوص منبع اصلی آن یعنی خانواده می داند فروپاشی خانواده در کشورهای توسعه یافته ای چون آمریکا، فرانسه، انگلستان و سوئد ، منجر به افزایش هزینه های چون مخارج خانواده، بهداشت، تامین اجتماعی ، کاهش میزان پس انداز و افزایش بار تکفل و... شده است، و از سمتی دیگر ایجاد کانون، انجمن و سازمانهای مردم نهاد برای کوچکترین مسائل مختلف زندگی در کشورهای پیشرفته هزینه های پایینی نسبت به کشورهای جهان سوم ایجاد می نماید، نقش انجمن ها و چنین کانونهای با توجه به منافع جمعی و دعوت به انجام اهداف مشترک توانسته است از فرسایش سرمایه های اجتماعی بکاهد، در صورتی که در کشورهای جهان سوم با از دست دادن اندک انجمن و نهادهای یک سو و همچنین فروپاشی هر چه بیشتر خانواده ها از سوی دیگر و مشکلات ناشی از دوران گذار جامعه به سمت پیشرفت شامل مشکلات مالی ، درآمدی ، بی اعتمادی و... ، فرسایش دو چندان سرمایه اجتماعی را در بر داشته است.

سرمایه اجتماعی

کشورها از دو موجودی یعنی خاک و ملت تشکیل می گردند و بدون داشتن یکی از آنها کشور مفهوم پیدا نمی کند، و سرمایه واقعی هر کشور در تعمیم و گسترش این دو شکل می گیرد.

سرمایه

سرمایه از ریشه cap به معنای سرگرفته شده است. معانی اساسی، اصلی و بزرگ از حروف کاپ از آن برمی آید و در اینجا هر کالا، پول یا ثروتی را شامل می شود که قابلیت نگه داری و افزایش داشته باشد. سرمایه یکی از چهار عامل شناخته شده تولید است، در کنار زمین، کار، زمان و مدیریت.

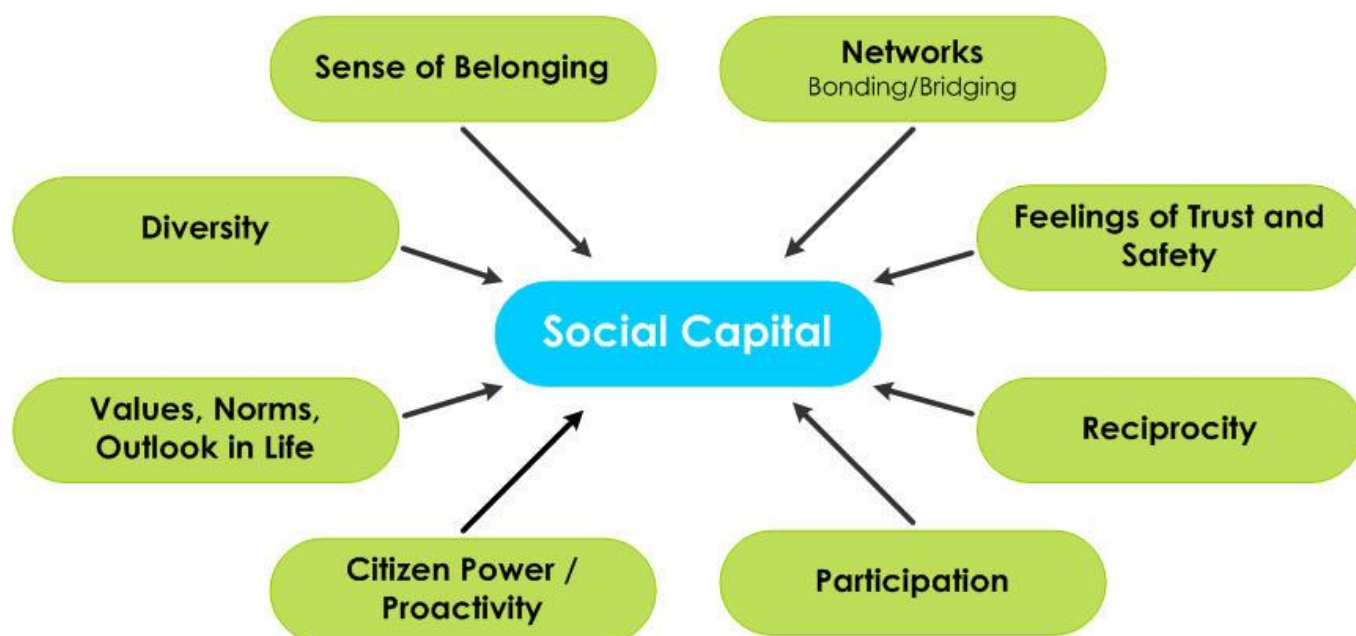
سرمایه اجتماعی مفهومی جامعه‌شناسی است که در تجارت، اقتصاد، علوم انسانی و بهداشت عمومی جهت اشاره به ارتباطات درون و مابین گروهی از آن استفاده می شود. اگرچه تعاریف مختلفی برای این مفهوم وجود دارد، اما در کل سرمایه اجتماعی به عنوان نوعی "علاج همه مشکلات" جامعه مدرن تلقی شده است. ایده اصلی این است که "شبکه‌های اجتماعی دارای ارزش هستند. همانطور که پیچگوشتی (سرمایه فیزیکی) یا تحصیلات دانشگاهی (سرمایه انسانی) هم به صورت فردی و هم در شکل جمعی می‌توانند موجب افزایش بهره‌وری شوند، ارتباطات اجتماعی هم بر بهره‌وری افراد و گروهها تأثیر می‌گذارند"

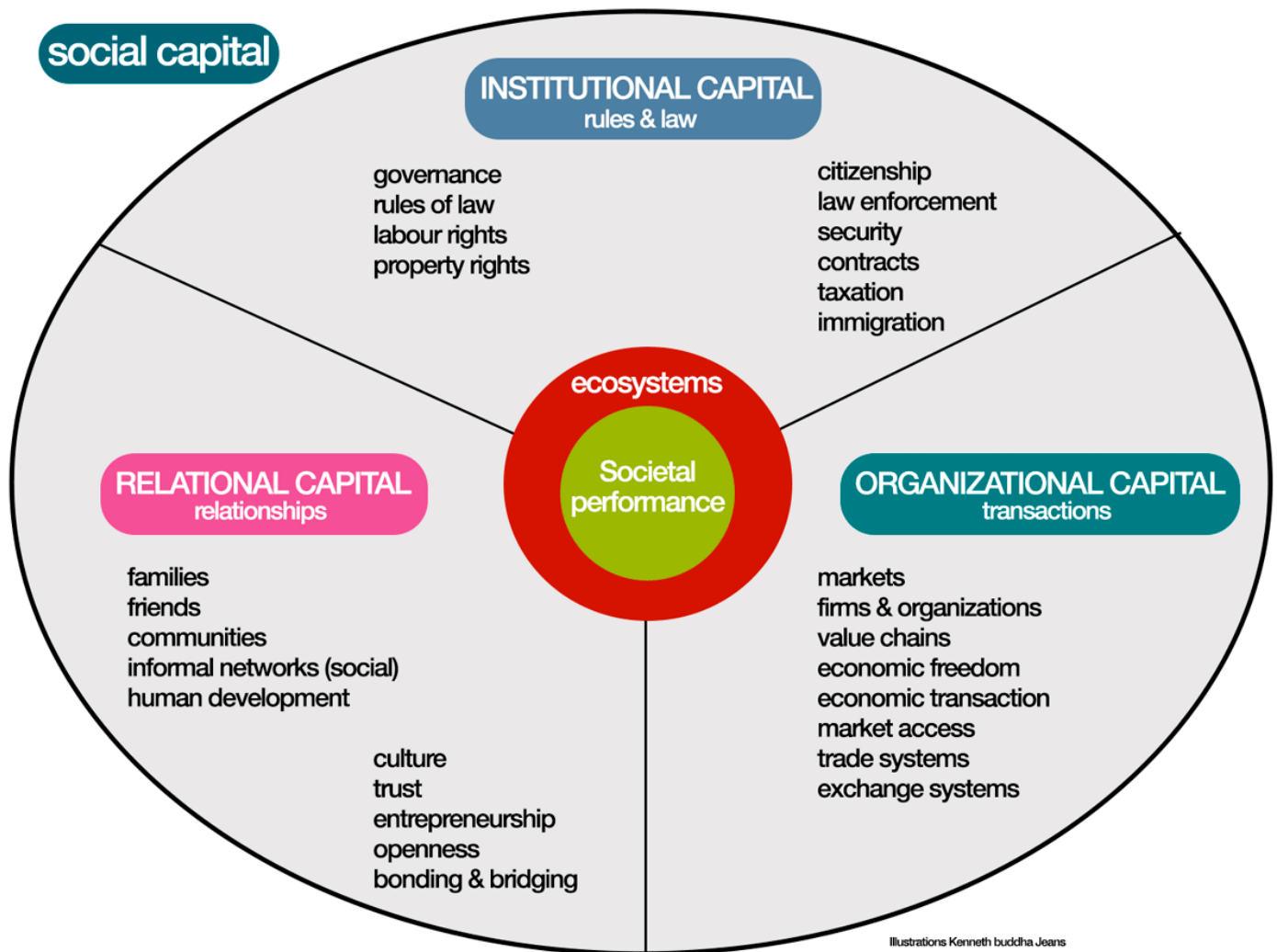
سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسیهای اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح گردیده است. از سرمایه اجتماعی تعاریف متعددی ارائه شده است. سرمایه اجتماعی مفهومی جدید است که از سالهای ۱۹۹۰ برای نخستین بار از سوی جامعه شناسان فرانسوی و آمریکایی (توکویل، بوردیو، کلمن، پاتنام و...) مطرح گردید.

سرمایه اجتماعی اصطلاحی است که گاه در معنای وسیع به کار می رود و ثروت اجتماعی و یا حتی درآمد اجتماعی از آن برمی آید و گاه در فضای محدود، منابع و تجهیزات غیر فردی و غیر خصوصی را شامل می شود. بدین معنی، سرمایه اجتماعی آن چیزی است که با سرمایه جامعه پدید آمده و مورد استفاده همگان است نظیر راههای ارتباطی، تجهیزات انتقال پیام و

در تعریفی دیگر سرمایه اجتماعی مجموع موجودی دارایی های مولد یک جامعه که شامل آن دسته از دارایی هایی است که منجر به تولید محصولات قابل عرضه به بازار به منظور دستیابی به سود توسط دوبرخش خصوصی و عمومی می شود و نیز شامل خدمات و محصولاتی می شود که غیر قابل عرضه به بازار برای فروش هستند، مثل دفاع و آموزش و پرورش.

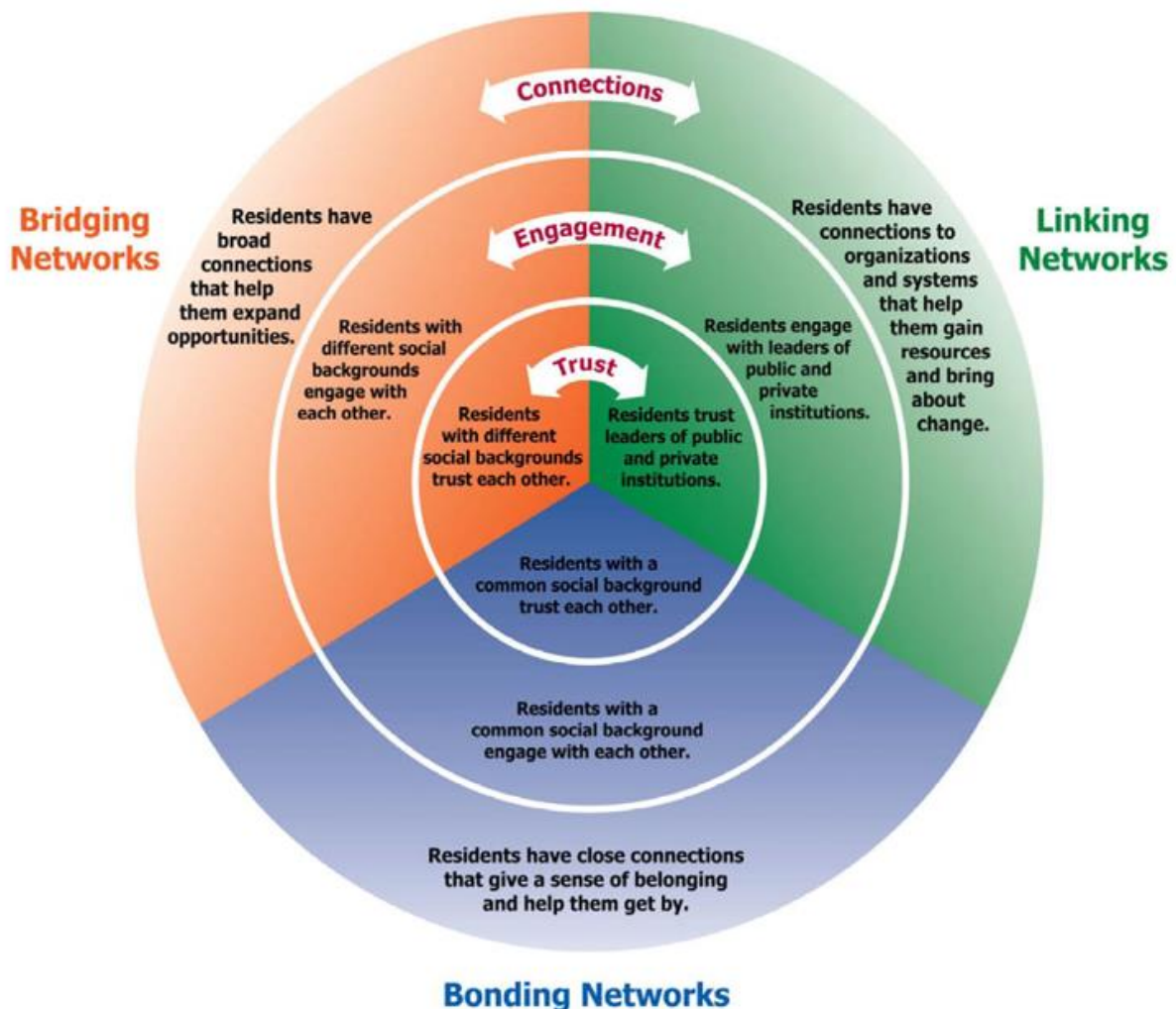
سرمایه اجتماعی کل حجم سرمایه در یک اقتصاد است. این مقوله نه تنها ساختمانها، ماشین آلات و دیگروسایل به کار رفته در تولید کالاهای قابل فروش در بازار، بلکه سرمایه های استفاده شده در تولید کالاها و خدمات غیر قابل فروش در بازار (مانند مدارس، جاده ها، تجهیزات نظامی) را نیز در بر می گیرد."





The Whole Picture of Social Capital

Extension's Community Social Capital Model shows the whole social capital picture with an emphasis on networks: bonding, bridging and linking. The inner picture focuses on examples of trust in each type of network; the next ring describes engagement. If both trust and engagement in each type of network are strong, they result in the connections described in the outer ring.



Community Social Capital Model

© Regents of the University of Minnesota 2008. All rights reserved.

هوش جمعی یا هوش ازدحامی

هوش ازدحامی یا هوش گروهی (Swarm Intelligence) نوعی روش هوش مصنوعی است که استوار بر رفتارهای گروهی در سامانه‌های نامتمرکز و خودسامانده بنیان شده است. این سامانه‌ها معمولاً از جمعیتی از کنشگران ساده تشکیل شده است که بطور محلی با یکدیگر و با پیرامون خود در همکنشی هستند. با وجود اینکه معمولاً هیچ کنترل تمرکز یافته‌ای، چگونگی رفتار کنش‌گران را به آنها تحمیل نمی‌کند، همکنش‌های محلی آنها به پیدایش رفتاری عمومی می‌انجامد. نمونه‌هایی از چنین سامانه‌ها را می‌توان در طبیعت مشاهده کرد؛ گروه‌های مورچه‌ها، دسته پرندگان، گله‌های حیوانات، انبوه باکتری‌ها و دسته‌های ماهی.

افراد دهها سال از اصطلاح هوش جمعی استفاده کرده اند و این اصطلاح هر روز با افزایش تکنولوژی ارتباطات، معمولتر و مهمتر می شود و جای خود را در علوم مختلف باز مینماید حتی در علوم انسانی. اگرچه با این اصطلاح گروهی نخبه و با ذهن ماوراء طبیعی در نظر می آیند، وقتی متخصصان از این اصطلاح استفاده می کنند منظور آنها ترکیبی از رفتار، ویژگی ها و یا ایده های گروهی از افراد که منجر به درک جدیدی می شوند است.

هوش جمعی قبل از اینترنت وجود داشته است. شما نیازی به اینترنت برای جمع آوری، ترکیب و تحلیل اطلاعات از گروهی از افراد غیر همگون ندارید.

یکی از ساده ترین حالت های آن بازرسی یا سرشماری است. جمع آوری پاسخ ها از یک گروه بزرگ از افراد به شما اجازه می دهد که یک نتیجه آماری از گروه برسید، بدون اینکه نیاز باشد تک تک افراد را بشناسید. استنتاج جدید از مجموعه اطلاعات مشارکت کنندگان مستقل همان، چیزی است که هوش جمعی انجام می دهد.

با توجه به یافته های مهندسين هوش مصنوعی ، براحتی مشخص می گردد که خالق، ساختار عجیبی بر طبیعت موجودات زنده قرار داده که حتی کم هوش ترین موجودات که در مقایسه با انسان گاها ۱ بر میلیون کم هوش تر اند از ساختاری به نام هوش جمعی بهره می برند ، حال اینکه انسان هوشمند

در حد هوش بالای خود از درک آن کم بهره است و آن اندک تعاملات وی نیز بیشتر ذاتی است تا عقلانی.

امروز هوش جمعی را باید در علوم چون علوم انسانی گسترش داد، تا از مزایای آن به بهترین حالت استفاده نمود که شاید هدف جهان خلقت نیز در گسترش این مفهوم باشد،

با افزایش سرمایه های اجتماعی اینطور بنظر می رسد که هوش جمعی نیز گسترش می یابد و با گسترش هوش جمعی دست یافتن به زندگیهای آرمانی و پیشرفت علوم مختلف بسرعت امکان پذیر خواهد بود،

هوش جمعی همان حلقه گمشده سرمایه اجتماعی ایست.

برای دانستن میزان هوش جمعی یک جامعه می توان با سنجیدن میزان وابستگی اعضا یک جامعه بهم اقدام نمود،

مفهوم هوش جمعی و سرمایه اجتماعی در ایران در یک مصراع شعر سعدی پنهان شده:

بنی ادم اعضاء یکدیگرند که در افرینش به یک گوهرند

چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

هوش جمعی ایجاد یک زنجیر مجازی در نحوه زندگی و همچنین وابستگی شدید اعضا جامعه می نماید، یکی از دلایلی که در کشورهای بویژه جهان سوم افراد جامعه با هر سطح در آمد و با هر سطح رفاه به اسودگی نمی رسند در واقع عدم وجود هوش جمعی بالاست، مثال، هوش جمعی می توانند چنین اعتقادی بسازد که تمام اعضا جامعه باید از حداقل درآمدها و رفاه و حداقل استانداردهای زندگی برخوردار باشند و تمامی اعضا در این امر باید همکاری نمایند نه رقابت نا سالم، پس تضمین می نماید که اختلاف طبقاتی به حداقل برسد، در کشورهای که بتوانند به هوش جمعی برسند فخر فروشی با ثروت یا با هر چیز دیگر معنی نمی یابد و امنیت و آرامش در هر قشری مهیا می گردد، و انواع قسم سرمایه مانند اقتصادی و علمی و ... بسرعت گسترش می یابد و عدالت نسبی به مطلوب ترین سطح خود می رسد، این همان اتفاقی است که میلیونها سال در موجوداتی چون پرندگان در زمان مهاجرت ، یا زنبورهای عسل و... بمنظور نیل به هدف کوچک! انجام می گیرد .



سرمایه اجتماعی و اعتماد بین نیروی کار

سرمایه اجتماعی یک مجموعه از نهادهای زیربنایی اجتماع نیست، بلکه حلقه اتصال دهنده افراد در قالب نهادها، شبکه ها و شکل های داوطلب است. توجه به نقش مهم سرمایه اجتماعی تأثیر مطلوب و کارسازی حتی بر رسمی ترین روابط نهادی و ساختارهایی مثل دولت، رژیم سیاسی، حاکمیت قانون، سیستم قضایی و آزادی شهروندی خواهد داشت.

سرمایه اجتماعی طبق تحقیق های میدانی جامعه شناسان آمریکائی و اروپایی تفاوت های عمده ای با دیگر وجوه سرمایه، یعنی سرمایه اقتصادی و انسانی دارد. سرمایه اجتماعی مالکیت فردی ندارد و متعلق به تمامی اعضای گروه یا انجمن است. سرمایه اجتماعی در صورت مصرف، کاهش نمی یابد بلکه حتی ممکن است افزایش یابد.

جامعه شناسان پی برده اند که در هر جامعه ای که افراد آن به اشکال مختلف عضوی از گروه یا انجمن یاصنفی هستند، دارای اعتماد به نفس بیشتر نسبت به جامعه می شوند و درصد **اعتماد** و احساس مسئولیتشان نسبت به گروه و حتی بیرون گروه بسیار بیشتر می شود. از طرفی انجمن یا کانون مربوطه از حقوق مادی، حیثیتی و معنوی اعضا حمایت می کند مهم ترین عامل نفوذ حکومت های دیکتاتوری در کشورها، بخصوص بین جنگ های جهانی اول و دوم، نبود گروه های کوچک، اتحادیه ها، اصناف و کانون هایی بوده است که مردم در درون آنها انسجام یابند. از طرفی در کشورهایی چون آمریکا، امکان روی کار آمدن قدرتهای خودکامه و دیکتاتور بسیار کم بوده، زیرا مردم در دسته های کوچک و انجمنی متشکل هستند و از منافع و حقوق خود دفاع می کنند. مردم در آمریکا معمولاً عضو یک یا چند انجمن هستند و حتی برای جزئی ترین نیازهای اجتماعی شان همفکران و هم رأیی هایی دارند. از فواید سرمایه اجتماعی، تسهیل کنترل اجتماعی، حمایت های مختلف اجتماعی، شکل گیری شبکه های فراخانوادگی، استفاده از کمک های مالی و مدنی را می توان نام برد.

پاتنام محور اصلی در بحث سرمایه اجتماعی را ارزشهای حاصله از شبکه های اجتماعی می داند. این ارزشها جمعی است، مردم با آن آشنا هستند و تمایل دارند در روابط اجتماعی آنها را به ظهور رسانده و در تعاملات آنها را بکار گیرند. سرمایه اجتماعی فقط شامل احساسات گرم و عاطفی نیست بلکه گستره وسیعی از اختیارات خاص کیفی را شامل می شود که اعتماد، کنش متقابل، اطلاع یابی و تعاون می تواند از محصولات ارتباطات اجتماعی باشد."

فوکویاما نیز در تعریف سرمایه اجتماعی به این مفهوم می پردازد. سرمایه اجتماعی را به سادگی می توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشهای غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزشها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی گردد، چرا که این ارزشها ممکن است ارزشهای منفی باشد. به طور مثال جنوب ایتالیا به عنوان منطقه بی بهره از سرمایه اجتماعی عمومیت یافته است، اما این بدان معنا نیست که در آنجا هنجارهای اجتماعی قوی و استواری وجود ندارد، (اشاره بر هنجارهای گروه مافیا) بلکه هنجارهای موجود به ارتقای همکاری اجتماعی کمکی نخواهد کرد. شواهد و دلایل فراوانی ثابت کرده است که این امر هم برای دولت و هم توسعه اقتصادی نتایج منفی به بار آورده است.

او شاخص های سرمایه اجتماعی را اعتماد، شکیبایی، برابری، قانون مداری، عضویت در گروه ها و فعالیت های اجتماعی، سطح بالای دانش عمومی، آموزش های حرفه ای گسترده و عمومی، موفقیت های علمی - پژوهشی بیان می دارد و نقطه مقابل آن یعنی فقدان سرمایه اجتماعی را مساوی با وجود نژادپرستی، پارتی بازی، آشنا پروری، بی تفاوتی، تبعیض جنسی، طلاق، فروپاشی خانواده، افت تحصیلی، سوء استفاده جنسی، آدم کشی، اعتیاد و پخش مواد مخدر و از همه مهمتر عدم جدیت جامعه در مهمترین مسائل زندگی (شوخی زائد) می داند. فوکویاما روشهای عمده ای را که از طریق آن هنجارهای اجتماعی همچون تعاون، اعتماد و یا قانون مداری می تواند ایجاد شود، در یک طبقه بندی چهارگانه معرفی نموده است :

- هنجارهایی که به لحاظ نهادی ساخته شده است

- هنجارهای ساخت یافته به شکل خودجوش

- هنجارهای ساخت یافته بر پایه ساخت مندی برون زاد

- هنجارهای ساخت یافته برگرفته از طبیعت

با توجه به نظرات فوکویاما و پاتنام اعتماد از اصول پایه ای در سرمایه اجتماعی است، و وجود سرمایه اجتماعی محصولاتی چون اعتماد را به همراه خواهد داشت.

اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی حسن ظن فرد نسبت به افراد جامعه است. عناصر و جنبه های یک رابطه مبتنی بر اعتماد عبارتند از صداقت، صراحت، سهمیم کردن دیگران در اطلاعات و عقاید و افکار و احساسات، احترام و ارزش قائل شدن برای طرف مقابل، حمایت از توانایی ها و شایستگی های طرف مقابل، تمایلات همیارانه و یاریگرایانه و رفتارهای اعتمادآمیز. برای ایجاد اعتماد اجتماعی باید شرایطی فراهم شود تا مردم در کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت کنند. به این منظور باید برای رفع تضادها و نابسامانی ها در برقراری نظم و ثبات در جنبه های اقتصادی اجتماعی سیاسی و فرهنگی جامعه تلاش کرد، زیرا اعتماد اجتماعی در چهارچوب روابط صحیح، عادلانه و منصفانه شکل می گیرد."

تردی گویر اعتماد اجتماعی را پایه و اساس زندگی توأم با اخلاق مسئولیت و نیکوئی می داند و معتقد است پیوندهای اجتماعی در سایه **اعتماد** شکل گرفته و ساخته می شود. اودر کتاب (اعتماد اجتماعی و ارتباطات انسانی) وجود و عدم وجود **اعتماد** را در مناسبات اجتماعی انسانها مطرح می کند. بطور مثال او نقش اعتماد را در روابط بین پزشکان و بیماران و یا سیاستمداران و نهادهای مورد مطالعه قرار می دهد از نظر گویر اعتماد اجتماعی حسی است که باعث تعاون می شود و فقط در این حالت است که انسان در عین تفاوت ها قادر به حل مشکلات خواهد بود. او با هرگونه جداسازی بین دنیا و زندگی روزمره انسان با زندگی منطقی و محاسباتی رسمی مخالف است و عامل اتصال این دو جلوه از زندگی انسان را **اعتماد** معرفی می کند. او اصل بنیادی در ارتباطات انسانی چه به صورت رسمی و چه غیررسمی را اعتماد می داند و آن را (قانون ارتباطات انسانی) نام می نهد. بر عکس نظام های پلیسی راه، بیرونی و فشار آور، در برقراری اعتماد و اخلاق میان مردمان می داند و نه تنها آن را اصلاً توصیه نمی کند بلکه مخرب هم می داند. او هر گونه برخورد تصنعی و بیرونی در برقراری اعتماد را تقبیح کرده و آن را (اخلاق به حداقل رسانده شده و مشروعیت یافته می داند)

و توجیه آن را عدم سقوط اخلاق و اعتماد در زمانی می داند که حکومتها و یا دولتهای مشروع سقوط می کنند. و نهادهای حکومتی را ایجاد کننده اعتماد نمی بیند. چرا که از نظر او اعتماد یک حس است که مردم آن را می خواهند و انجام می دهند و هر گونه اعتماد سازی نهادینه شده راتنها متمسکی برای توجیه انواع تبعیضات و ستم های قدرتمندان فرض می کند و آن را اعتماد غم انگیز معرفی می کند. **اعتماد حس است قرار داد نیست** و نمی توان آن را برای مردم دیکته کرد و خیلی کوتاه بینانه خواهد بود اگر به این ارزش نیکوی بشری و مقدس جنبه دستوری و اداری داده شود. فرانسیس فوکویاما این نوع اعتماد ساختگی از نظر گویر را در تقسیم بندی منابع سرمایه اجتماعی در دسته منابع ساخته شده و عقلانی قرار می دهد.

آنتونی گیدنز اعتماد را اتکا یا اطمینان به نوعی کیفیت یا صفت یک شخص ، اطمینان به حقیقت یک گفته می داند " گیدنز در تفسیری که از دنیای مدرن دارد جایگاه خاصی را برای اعتماد قائل است شاید بتوان گفت او در بین اندیشمندان اجتماعی سیاسی مشخص ترین فردی است که با صراحت حرکت به سوی توسعه را از منظر اعتماد می نگرد . او شکل اعتماد در جوامع مدرن را متفاوت از جوامع پیش از مدرن می داند و «اعتماد فعال» را معرفی می کند. چرا که به طور مثال در جهان قدیم فقط حدود سی سال پیش اگر شما مرد یا زن بودید نقش های معینی را در جامعه داشتید که رابطه شمارا تثبیت می کردند و این رابطه ها بر مبنای همان نهادهای از پیش مستقر بنا می شد. و این رابطه ها بر مبنای همان نهادهای از پیش مستقر بنا می شد. اما اکنون باید روابط را بر مبنای ارتباط ساخت. یعنی باید اعتماد دیگری را جلب کرد. از همین رو است که **برای ایجاد اعتماد بایستی مکانیسم ها و زمینه های مناسب وجود داشته باشد** و نمی توان آن را کلیشه وار به مردم تحمیل کرد تا مناسبات اجتماعی را بر روی آن سوار کنند.

گیدنز ده عنصر را در تعریف از اعتماد دخیل می داند:

• اعتماد به غیبت در زمان و مکان - یعنی ارتباطات چهره به چهره و روابط خودمانی جای خود را به ساختارهای رسمی اجتماعی داده است. انسان امروز مجبور است بدون اینکه فعالیت هایش پیوسته در

- معرض دید باشد و یا دیگران را ببیند به نظام ها اعتماد کند و از دستاوردهای آن استفاده کند.
- اعتماد اساساً به احتمال وابسته است. فرض اعتماد پذیری مستلزم پذیرش صداقت و درستی امین است (امین یا اعتماد شونده می تواند فرد یا نهاد اجتماعی باشد). بدیهی است شکست در این صداقت لطمات روانشناختی به اخلاق اعتماد وارد می کند.
- اعتماد از ایمان سرچشمه می گیرد بنابراین آن را با اشکال فشاری و از بیرون نمی توان القا نمود.
- اعتماد معطوف به نشانه های نمادین و نظام های تخصصی است.
- اعتماد به میزان زیادی با ایمان به دانش فنی همراه است.
- اعتماد به اطلاعات همگانی توأم با شفافیت - درستی و صداقت نسبت به اطلاعات است آموزش اولین عنصر شکل گیری شناخت در نگرش است.
- اعتماد به احتمال وجود خطر که البته در حداقل باشد و به نتایج مطلوب بیانجامد .
- اعتماد به وجود امنیت اجتماعی .
- اعتماد به سیستم های امنیتی نظارتی.
- اعتماد به سیستم های اطلاع رسانی.

*****گیدنز ارزشهایی که می تواند در جوامع جدید امنیت راستین و اعتماد اجتماعی را برانگیزاند به شرح زیر توضیح میدهید*****

✓ برابری در همه عرصه ها (نژادی، جنسی، قومی...) در برابر قانون.

✓ حمایت از قشرهای آسیب پذیر.

✓ اعتماد به اصل دموکراسی .

✓ آزادی به مثابه استقلال فردی .

✓ کثرت گرایی با اعتقاد به جامعه جهانی .

✓ اعطای حقوق فردی توأم با مسئولیت متقابل از جانب افراد به عنوان یک اصل اخلاقی

✓ اعتقاد به «دموکراتیزه کردن مضاعف» یعنی تفویض قدرت به سطوح پایین در همه امور حکومتی

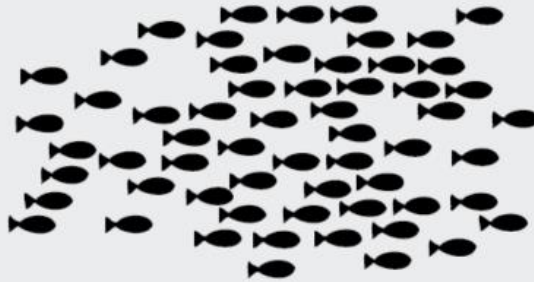
اعتماد موجب پایین آمدن سطح هزینه های تعاملات اجتماعی و اقتصادی و اقدامات مختلف می گردد. افزایش اعتماد متقابل در یک شرکت می تواند به نحو قابل توجهی کارایی سیستم ها را بالا ببرد و بعضی از صاحب نظران مدیریت، ارزش آن را برای یک سازمان از (اطلاعات) بالاتر می دانند. بنابراین اعتماد به عنوان عامل اصلی در توسعه « به زعم گیدنز» و یکی از مهم ترین مؤلفه های سرمایه اجتماعی است با وجود اعتماد است که کنشهای اجتماعی بر پایه انتخاب عقلانی شکل می گیرد و تداوم می یابد اعتماد اگر از سطح روابط خونی و خویشاوندی خارج نگردد پس نتواند با محیط بیرون پیوند یابد، نمی تواند سرمایه اجتماعی مناسبی را ایجاد نماید به عبارتی دیگر هر چه شعاع اعتماد گسترده تر باشد از بعد فردی و محدوده و تعمیم یافته شود، منافع جمعی و کلان را ایجاد می نماید.

جمع بندی

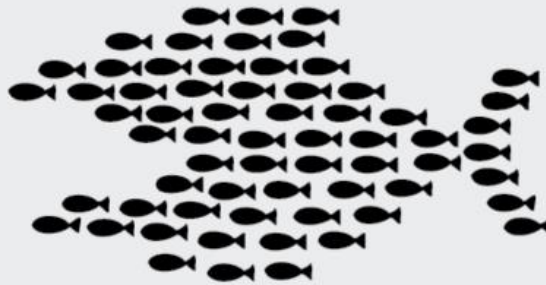
همانگونه که بررسی شد می توان کل مباحث را در موارد ذیل خلاصه کرد:

سرمایه اجتماعی تضمینی بر موفقیت گروه ها، سازمانها و کشورهاست و سرمایه اجتماعی کل حجم سرمایه در یک اقتصاد است و هر چیز جمعی چون جاده ها ، فرودگاه، نمادها، نیروها و توان نظامی و دفاعی، ارتباطات و هزاران مورد دیگر رادر بر می گیرد و یا به عبارت دیگر نیز شامل خدمات و محصولاتی می شود که غیر قابل عرضه به بازار برای فروش هستند ولی شرط لازم برای دیگر اقسام سرمایه می باشند و تضمینی بر ایجاد نظام های موفق با سرمایه بالا و غیر دیکتاتوری است و از محصولات مهم دیگر آن بحث ایجاد هوش جمعی که تضمینی بر ایجاد امنیت روانی و اقتصادی و کلمه ای بنام **حمیت گروهی** می شود و همچنین محصول دیگر یعنی ایجاد اعتماد است، در سازمانی که اعتماد ایجاد می شود ، منافع کلان و جمعی ایجاد و انتخاب عقلانی حاکم خواهد بود.

هر چند که مدیران و همچنین در مواردی دولتها از این سرمایه به اشتباه در هراسند و دلیل این هراس را هزینه ساز بودن ، سخت و غیر ممکن شدن کنترل زیر دستان و منابع می دانند اما واقعیت آن است، هزینه ایجاد شده در جهت شکوفایی است و ترس آنان بیشتر، ترس از تغییر حاصل می گردد و یا شاید نگاه استبدادی چنین تفکری را ساخته است ، اما تجربه شرکتها و دولتهای موفق نشان داده است ، که کنترل و شاید کاهش شدید عوامل ناخوشایند و سرعت پیشرفت جوامع و شرکتها به سمت مثبت با ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی امکان پذیر بوده است.



WRONG WAY



RIGHT WAY



GREECE WAY

ΕΛΕΥΘΕΡΟΣ

- Portes, A. (1998). "Social Capital: Its origins and applications in modern sociology." *Annual Review of Sociology* 24: 1-24.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York, Simon and Schuster. ۲/۶ ۲/۵ ۲/۴ ۲/۳ ۲/۲ ۲/۱ ۲/۰
- Hanifan, L. J. (1916). "The rural school community center." *Annals of the American Academy of Political and Social Science* 67: 130-138.
- Bourdieu, P. (1972). *Outline of a theory of practice*. Cambridge, Cambridge University Press.
- Coleman, J. S. (1988). "Social capital in the creation of human-capital." *American Journal of Sociology* 94: S95-S120.
- Foley, M. W. and B. Edwards (1997). "Escape from politics? : ۶/۲ ۶/۱ ۶/۰ : Social theory and the social capital debate." *American Behavioral Scientist* 40(5): 550-561.
- Alessandrini, M. (2002). "Is Civil Society an Adequate Theory?" *Third Sector Review* 8(2): 105-119 ۷/۳ ۷/۲ ۷/۱ ۷/۰
- Arefi, M. (2003). "Revisiting the Los Angeles Neighborhood Initiative (LANI) - lessons for planners." *Journal of Planning Education and Research* 22(4): 384-399.
- Putnam, R. D. (1995). "Bowling alone: America's declining social capital." *Journal of Democracy* 6(1): 65-78.
- Halpern, D. (2005). *Social capital*. Cambridge, Polity Press.
- Moran, P. (2005). "Structural vs. Relational embeddedness : Social capital and managerial performance." *Strategic Management Journal* 26(12): 1129-1151.